

گسترش داوری پذیری اختلافات راجع به حقوق رقابت با نگاهی به حقوق اتحادیه اروپا

مهدی محمدی^۱، مهدی منتظر^۲، طیب افشارنیا^۳

چکیده

به تدریج، با رواج داوری بین المللی و تغییر سیاست نظام های حقوق ملی راجع به داوری، قابلیت داوری دعاوی حقوق رقابت پذیرفته شد. این تغییر رویکرد دولت ها ابتدا با تبدیل ممنوعیت مطلق به ممنوعیت نسبی و سپس با پذیرش کامل تر داوری این دعاوی همراه بود. در این باره، رویه قضایی ایالات متحده آمریکا پیش تاز بود. برای نمونه، در مقابل رأی امریکن سیفتی، دیوان عالی آمریکا در رأی میتسوبیشی، داوری دعاوی حقوق رقابت را با دلایل بسیار پذیرفت. مبنای حقوقی مهمی که مورد نظر دیوان عالی قرار گرفت، شناسایی شیوه ای منطبق با نیازهای تجارت بین الملل برای تدوین یک نظام قابل پیش بینی حل و فصل اختلافات قراردادهای بین المللی بود که داوری، مصداق بارز آن است. انتظارات ناشی از نزاکت بین المللی، احترام به صلاحیت دادگاه های خارجی و دیوان های داوری از دیگر جهات این رأی معروف دیوان عالی آمریکا بود.

در این پژوهش به روش توصیفی و تحلیلی با هدف بررسی «گسترش داوری پذیری اختلافات راجع به حقوق رقابت»، این پرسش مطرح می شود که نقش اتحادیه اروپا در گسترش داوری پذیری دعاوی حقوق رقابت چیست؟ با توجه به یافته های پژوهش می توان بیان کرد که پس از آغاز حرکت به سوی پذیرش داوری حقوق رقابت در دعاوی میتسوبیشی و ادامه این حرکت در دعاوی دیگر، رویکرد اتحادیه اروپا به ویژه در دعاوی اکو سوییس نسبت به این موضوع با توجه به اهمیت نظام حقوق رقابت اتحادیه اروپا در فرآیند تجارت بین الملل می تواند نشانه گسترش داوری در حقوق رقابت تلقی شود. دیوان دادگستری اروپایی با قابل اجرا ندانستن رأی داوری که حقوق رقابت اتحادیه اروپا در آن نادیده گرفته شده، به طور غیر مستقیم، داوری دعاوی حقوق رقابت را پذیرفته است.

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، گروه حقوق، واحد امارات متحده عربی، دانشگاه آزاد اسلامی دبی، امارات. Vekalat-me-

hdi76@yahoo.com

۲. استادیار گروه حقوق خصوصی واحد دماوند دانشگاه آزاد اسلامی، دماوند ایران، (نویسنده مسئول)، mhdmontazer@yahoo.com.

۳. استادیار گروه حقوق خصوصی واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران ایران. Afsharnia59@gmail.com

واژگان کلیدی: رقابت، داوری، اتحادیه اروپا، دیوان دادگستری اروپایی، داوری‌پذیری.

مقدمه

در اروپا، مراحل پذیرش داوری در دعاوی حقوق رقابت، دیر و با اکراه انجام شده است. مقامات قانون رقابت اتحادیه اروپا در ابتدا به دلیل ترس از سوء استفاده از نهاد داوری برای فرار از مقررات قانون رقابت و اجتناب از خطر تحقیق و بازجویی توسط کمیسیون اروپا با داوری با احتیاط برخورد کردند. کمیسیون اروپا در مورد داوری دعاوی مربوط به قانون رقابت یا امکان‌ناپذیری آن نظر صریحی ابراز نکرده، اما از انجام دادن اقداماتی برای توسعه داوری در قانون رقابت اتحادیه خودداری کرده است. دیوان دادگستری اروپا نیز هرگز به صراحت و به طور مستقیم، قابل پذیرش بودن این دعاوی را اعلام نکرده، اما در رأی ۱۰ ژوئن ۱۹۹۹ در دعاوی اکو سوییس در مقابل بنتون^۱ گفته است که اگر به دلیل مخالفت این رأی با مقررات الزام‌آور در این گونه دعاوی که اساساً شامل مسائل مربوط به نظم عمومی در حدود مواد ۸۱ و ۸۲ (جدید ۱۰۱ و ۱۰۲) است، درخواست ابطال رأی داوری شود، دادگاه‌ها باید به این موضوع توجه کنند که آیا این رأی با مفهوم نظم عمومی در زمینه حقوق رقابت مغایرت دارد یا خیر. آن گاه در صورت مشاهده چنین چیزی، حکم به ابطال رأی می‌دهند.^۲

از این تصمیم، تفاسیر متفاوتی شده است، اما برداشت کلی از آن بر این اساس استوار است که ارتباط با حقوق عمومی و نقش نظم عمومی در دعا، مانع از ارجاع پرونده به داوری نمی‌شود، بلکه موجب الزام بر دوش داوران می‌شود تا برای حل مسائل مربوط به نظم، مردم را در جریان کار خود در نظر بگیرند. بر این اساس، چون حقوق رقابت اتحادیه اروپا بر اساس ماده (۲)(a) کنوانسیون نیویورک در مفهوم مقررات ناظر بر نظم عمومی قرار می‌گیرد، داور باید حقوق رقابت را در دعاوی و تصمیماتی در نظر بگیرد که مربوط به حقوق یکی از کشورهای عضو اتحادیه اروپاست یا در آن کشورها باید اجرا شود.

با توجه به حساسیت حقوق رقابت و ارتباط آن با نظم عمومی، اجرای آن بسیار مهم است و تحقیق

1. Benetton Eco Swiss v

۲. انصاری، علی و حجت مبین، «قواعد فراملی در داوری تجاری بین‌المللی و جایگاه آن در حقوق ایران»، فصل‌نامه حقوق، ۱۳۹۱، شماره ۳، ۳۸.

حاضر نیز به گونه‌ای به اجرای حقوق رقابت می‌پردازد. در این زمینه، پژوهش‌هایی نیز صورت گرفته که به عنوان پیشینه پژوهش در جدول آمده است:

ردیف	عنوان	سال	پژوهشگر	روش تحقیق	نتایج تحقیق
۱	حقوق رقابت در عرصه مالکیت فکری	۱۳۹۸	ابراهیم رهبری	تحلیل محتوا	در این کتاب، قواعد بنیادین ناظر به رابطه حقوق رقابت و حقوق مالکیت فکری تحلیل می‌شود و ضمن تأمل در اهداف مشترک دو نظام که بستر ساز تعامل میان آن‌هاست، نوع نگرش حقوق ضد انحصار به مصادیق دارایی‌های فکری و راهبردهای مطلوب رقابتی در گستره مالکیت‌های فکری بررسی می‌گردد.
۲	نظم عمومی و داوری پذیری دعاوی مالکیت فکری	۱۳۹۹	سعید حبیبی	تحلیل محتوا	بنا بر این پژوهش، در بسیاری از موارد، مبنای داوری ناپذیری، نظم عمومی نیست. هم‌چنین تمام موضوعات مرتبط با نظم عمومی صرفاً به لحاظ این ارتباط، داوری ناپذیر محسوب نمی‌شوند.
۳	عوامل حقوقی محدودکننده داوری پذیری دعاوی حقوق رقابت	۱۴۰۱	سعید رضا زاده	تحلیل محتوا	این پژوهش به دنبال بررسی محدودیت‌های حقوقی داوری پذیری در رقابت است و محقق می‌کوشد این محدودیت‌های حقوقی را بررسی کند که ناشی از نظم عمومی وقاعده آمره است.

۴	داوری قوانین رقابت اتحادیه اروپا	۲۰۲۱	کارینالیگی	تحلیل محتوا	بر اساس این پژوهش، کمیسیون اروپا نظر صریحی در خصوص مسئله داوری پذیری دعاوی مرتبط با حقوق رقابت یا ناممکن بودن آن ابراز نکرده، ولی برای توسعه داوری در حقوق رقابت اتحادیه نیز تدبیری در پیش نگرفته است.
---	-------------------------------------	------	------------	----------------	--

این پژوهش‌ها در زمینه مطالعه حقوق رقابت می‌توانند راه‌گشا باشند. با این حال، در این پژوهش‌ها درباره گسترش داوری پذیری اختلافات راجع به حقوق رقابت با نگاهی ویژه به حقوق اتحادیه اروپا، مطلبی بیان نشده است. با توجه به تغییرات مهمی که در سال‌های گذشته در شیوه اجرای مقررات حقوق رقابت در اتحادیه اروپا رخ داده است، انجام پژوهشی که با تکیه بر آن، پذیرش تدریجی دعاوی حقوق رقابت آشکار شود، ضروری است. به این منظور، در این پژوهش به روش توصیفی و تحلیلی، گسترش داوری پذیری اختلافات راجع به حقوق رقابت بررسی و این پرسش مطرح می‌گردد که نقش اتحادیه اروپا در گسترش داوری پذیری دعاوی حقوق رقابت چیست؟

گفتار اول. داوری پذیری از دیدگاه حقوق اروپا

در این رویکرد، واژه «داوری پذیری»، معنایی محدود و مشخص دارد و به این نکته می‌پردازد که آیا انواع خاصی از دعاوی به دلیل قانون‌گذاری ملی یا اختیارات خاص قضایی قابل ارجاع به داوری است یا خیر و دادگاه‌ها نیز به معیار نظم عمومی برای این محدودیت‌ها استناد می‌کنند.

موضوعات مورد ادعا در اختلاف، کلید اصلی داوری پذیری است. این نظریه به این پرسش پاسخ می‌دهد که آیا طبق قانون محل داوری یا محلی که اجرای رأی از آن درخواست شده است، ادعاهای مطرح شده قابل ارجاع به داوری هستند یا این‌که باید در دادگاه‌های ملی به آن‌ها رسیدگی شود. برخی معتقدند که بر اساس شیوه اروپایی، حدود داوری پذیری، اجازه اعطاشده از طرف دولت و قوانین ملی نسبت به ارجاع اختلاف به داوری است.^۱

1. Freimane, Natalja, *Arbitrability Problematic Issues of legal Term*, Master thesis, Riga, Riga Graduate School of Law, 2012, p. 23.

چارچوب مقررات داوری در این دیدگاه، حدود موافقت‌نامه داوری را از داوری‌پذیری جدا می‌کند. بر اساس این تفکیک، داوری‌پذیری در درجه اول، یکی از لوازم قانونی است که از طرف دولت به طرفین جریان داوری تحمیل می‌شود، در حالی که موافقت‌نامه داوری بیانگر استقلال طرفین است. بنابراین، حدود داوری‌پذیری به وسیله پی بردن به قصد قانون‌گذار مشخص می‌شود، ولی حدود موافقت‌نامه داوری اصولاً با اراده طرفین مطابقت دارد. داوری‌پذیری، حدود استقلال طرفین را در رابطه قراردادی آن‌ها برای ارجاع اختلاف به داوری زیر سؤال می‌برد و قراردادی که شامل موضوعات غیر قابل داوری باشد، معتبر نخواهد بود. بنابراین، صلاحیت داوران زیر سؤال می‌رود و رأی داوری قابل اجرا نخواهد بود.^۱

در زمینه حدود داوری‌پذیری موضوعی میان کشورهای اروپایی رویه یکسانی وجود ندارد، اما حدود مفهوم داوری‌پذیری در اروپا را می‌توان این دو ملاک دانست:

۱. تعیین موضوعاتی که در هیئت داوری قابل رسیدگی است؛
 ۲. رفتار قانون‌گذار ملی برای ایجاد ارتباط میان داوری‌پذیری و نظم عمومی ملی یا قواعد آمره.
- بر اساس اولین ملاک باید موضوعات قابل داوری مشخص شوند. برای مثال، در قانون داوری هلند،^۲ آزادی طرفین برای ارجاع اختلاف به داوری، ملاک اصلی داوری‌پذیری است. البته در این قانون که مشتمل بر تعریف داوری‌پذیری موضوعی است، موافقت‌نامه داوری، نتایج حقوقی مسائلی را که طرفین به طور آزادانه توانایی نقل و انتقال آن‌ها را ندارند، تعیین نمی‌کند.^۳ ملاک نداشتن قابلیت انتقال حقوق در ایتالیا نیز پذیرفته شده است.^۴ این تعریف حقوقی مبهم و انتزاعی است و به صورت مشخص، حدود داوری‌پذیری را مشخص نمی‌کند، اما به صورت کلی، در دیدگاه اروپایی، مسائل مربوط به احوال شخصیه مثل طلاق و اهلیت و ازدواج قابل انتقال و بر این اساس، قابل داوری نیستند.

کشور سوئیس، نمونه مدرن دیدگاه اروپایی است. بر اساس ماده ۱۷۷ حقوق بین‌الملل خصوصی

1. Shore, Laurence, "Defining Arbitrability the United States v The Rest of the World", New York Law Journal, No. 25, 2009, p. 1.

2. Arbitration Code 1986, **Incorporate in the Book IV of Civil Procedure Art**, 1020(1)

3. Arbitration Code 1986, **Book IV of Procedural Art**, 1020(3)

4. Freimane, op.cit., p. 23.

سوییس، هر گونه دعاوی مربوط به حقوق اقتصادی قابل ارجاع به داوری هستند، اگرچه در این موارد، تعریف مشخصی از دعاوی مربوط به حقوق اقتصادی وجود ندارد. به هر حال، این مفهوم باید در معنای گسترده در نظر گرفته شود. در اتریش، آلمان^۱ و قانون داوری جدید بلژیک نیز رویه‌ای همانند سوییس در پیش گرفته شده است.^۲ قانون سوییس که بر اساس قانون مدل آنسیترا ل طراحی شده، به دنبال این است که هر گونه ابهامی را درباره قابلیت داوری موضوعاتی برطرف کند که به نحوی با نظم عمومی مرتبطند. بنابراین، اختلافات مربوط به حقوق رقابت نیز قابل ارجاع به داوری است. البته مقررات مشابهی نیز وجود دارد که اگر موافقت‌نامه داوری شامل حقوق و منافع اقتصادی نباشد، تا حدودی که طرفین می‌توانند در مورد موضوع اختلاف به روش حل و فصل اختلاف متوسل شوند، قرارداد داوری دارای اثر قانونی خواهد بود.

دومین معیار برای تعیین حدود داوری‌پذیری، سیاست‌های قانون‌گذار ملی در برخورد با نظم عمومی داخلی است. راه حل حقوق فرانسه در این زمینه، راه حل سنتی است. ماده ۲۰۶۰ از کد قانون مدنی فرانسه مقرر کرده است که طرفین نمی‌توانند توافق کنند مسائل مربوط به احوال شخصیه مانند طلاق، اهلیت اشخاص حقیقی و حقوقی و مسائلی که ناظر بر منافع عمومی و دعوای مرتبط با منافع نهادها و سازمان‌های دولتی هستند، از طریق داوری حل و فصل شوند. بر این اساس، دادگاه‌های فرانسه برای مدت طولانی، دیدگاهی بسته درباره داوری در پیش گرفته بودند؛ زیرا امکان حل و فصل آزادانه اختلاف به وسیله نظم عمومی زیر سؤال می‌رفت.

اساس استناد به این محدودیت‌ها این بود که اگرچه استقلال طرفین، یکی از اصول اساسی در داوری است و طرفین حق دارند بدون کنترل و اعمال قدرت خارجی، توافق‌نامه داوری را تنظیم کنند، این استدلال برای طرفینی که قدرت معاملاتی یکسان و شرایط برابر اقتصادی و معنوی ندارند، نادرست است. به همین دلیل، محدودیت‌هایی بر آزادی اراده طرفین وضع شده است.^۳

امروزه رویه قضایی فرانسه به سمت رویه تجارت بین‌الملل گرایش پیدا کرده و منعطف‌تر شده است،

1. German Arbitration Act, **Book Tenth of the Code of Civil Procedure of 1998**, Article 103. 1)

2. Denis, Philippe, **Modernization on the Modern Belgium law**, 2013, p. 27, Available at: www.philippelaw.eu.

3. Tamara, Egbedi, **an Analysis of the Effect of Public Policy on Party Autonomy in International Arbitration**, University of Dundee of Nigeria, 2007, pp. 7-8.

به صورتی که داوران در دعاوی تجاری بین‌المللی صلاحیت دارند به داوری‌پذیری اختلافاتی رأی دهند که با نظم عمومی مرتبطند. در این زمینه، رأی معروفی^۱ از دادگاه تجدیدنظر پاریس صادر شده که بر اساس آن، رأی داوری در مورد اختلافات مربوط به حقوق رقابت قابل اجراست. این کار، نقض آشکار قواعد حقوق رقابت اتحادیه اروپا و برخلاف قواعد خاص اجرای رأی داوری در فرانسه است. البته مفهوم نقض آشکار در این رأی و نحوه اعمال و تشخیص آن مبهم است. دادگاه تجدیدنظر در آرا، قبل از این نیز به نتیجه مشابهی رسید و استدلال خود را بر این مبنا استوار کرد که داوران در بررسی موضوع اختلاف، رأی داوری را مخالف مقررات رقابت اتحادیه اروپا تلقی نمی‌کنند و در نهایت، درخواست طرف دعا را مبنی بر الغای رأی داوری رد کرد.^۲

دادگاه سوییس در پرونده دو شرکت ایتالیایی علیه دولت عراق هم تصریح کرد که در ارتباط میان داوری‌پذیری موضوعی و منافع عمومی، صرف ادعاهایی که بر نظم عمومی اثر می‌گذارند، برای قابلیت نداشتن ارجاع دعا به داوری کفایت نمی‌کنند. طبق این نظر، دادگاه ملزم نیست به محدودیت‌های خارجی مربوط به داوری‌پذیری و صرف صلاحیت انحصاری دادگاه توجه کند، مگر این‌که مسئله نظم عمومی بین‌المللی مطرح باشد که بر اساس آن، اختلاف تنها در صلاحیت دادگاه قرار خواهد گرفت.^۳

به این ترتیب، رویه کشورهای اروپایی نشان می‌دهد که نظام‌های حقوقی ملی، دیدگاه خود را نسبت به داوری و روش‌های مشابه با توجه به جریان پویای اقتصاد تغییر داده‌اند. در این راستا، فرانسه جزو نخستین نظام‌هایی بود که به صراحت، قابلیت داوری موضوعات بین‌المللی را با ارجاع به نظم عمومی بین‌المللی تعریف و در آرای خود بر این نکته تأکید کرد که فقط موضوعاتی که با نظم عمومی بین‌المللی ارتباط تنگاتنگ دارند، قابل ارجاع به داوری نیستند. در همین راستا، اصل

1. Kolmogorava, Yekaterina, **Arbitrability of Competition Disputes: Position in England, France and Kazakhstan**, Central European University, 2011, p. 23; Ganz v. SNFCT case and Labinal v. Mors case, CA Paris, 29 March 1991. Revb. Arb (1991) 478.

2. Ibid.

3. Kaufman-Kohler, Gabriell & Antonio Rigozzi, **International Arbitration: Law and Practice in Switzerland**, Oxford University Press, 2014, pp. 104–106.

استقلال موافقت نامه داوری بین المللی از حقوق داخلی نیز اولین بار در فرانسه پذیرفته شده است.^۱ ذکر این نکته با اهمیت است که حدود داوری پذیری در دیدگاه اروپایی آن که به صورت محدود و مشخص باید تفسیر شود، مزایایی نیز در بردارد. برای مثال، داوری پذیری موضوعی از لحاظ واژگانی گسترده و انتزاعی است، اما موقعیت هایی را مشخص می کند که محدودیت های قانونی، ارجاع شماری از اختلافات به داوری را محدود می کند. با این حال، امکان ایجاد هماهنگی با رویه رو به رشد جهانی و پاسخ به نیازهای بین المللی به منظور گسترش فهرست موضوعات قابل داوری را دارد. برای نمونه، در حقوق سوییس، جرایمی که ماهیت اقتصادی دارند یا با منافع اقتصادی مرتبطند، به داوری قابل ارجاع نیستند. بنابراین، منافع مهم اقتصادی دولت هنوز در حوزه صلاحیت انحصاری دادگاه قرار دارند. علاوه بر این موارد، دعاوی مربوط به اعلام ورشکستگی نیز در این دسته قرار می گیرند.^۲ به صورت کلی، بر اساس ماده ۱۷۷ از حقوق بین الملل خصوصی سوییس، شرط داوری پذیری این است که اختلاف به اموال مربوط باشد. این شرط، طیفی گسترده از دعاوی را شامل می شود و در راستای روند جهانی گسترش اختلافات قابل داوری است.

در درجه دوم چون قابلیت داوری، مسائلی را که در موافقت نامه داوری ذکر شده است، پوشش نمی دهد، مفهوم مشخصی دارد که به راحتی قابل تعریف است. بنابراین، حدود داوری پذیری، یکی از موانع ابتدایی است که در مقابل هیئت داوری وجود دارد و در عین حال، صلاحیت هیئت داوری نیز به آن بستگی دارد.

گفتار دوم. داوری پذیری دعاوی حقوق رقابت در اتحادیه اروپا

در این مبحث، مواردی مانند رویکرد آزادانه به داوری حقوق رقابت در اتحادیه اروپا و تجلی رویکرد موافق به داوری در دعاوی اکو سوییس بررسی خواهد شد.

بند اول. رویکرد آزادانه به داوری حقوق رقابت در اتحادیه اروپا

قابلیت داوری دعاوی حقوق رقابت اتحادیه اروپا هیچ گاه به طور صریح در دادگاه های کشورهای عضو اتحادیه اروپا مطرح نشده است. دلیلی که بیان شده، این است که قبل از لازم الاجرا شدن مقرر ۱/۲۰۰۳ اجرای خصوصی حقوق رقابت اهمیت کمتری نسبت به اجرای خصوصی قوانین ضد

1. Kolmogorava, op.cit., p. 28.

2. Kaufman-Kohler & Rigozzi, op.cit., p. 104.

تراست ایالات متحده داشته است. با این حال، در گذشته نیز نگرانی‌هایی راجع به طرح مسائل حقوق رقابت اتحادیه در دیوان‌های داوری وجود داشته است. کمیسیون رقابت، استفاده از بعضی معافیت‌های گروهی را به این وابسته کرده بود که طرفین قرارداد مشمول معافیت، آرای داوری صادرشده راجع به قراردادشان را به اطلاع کمیسیون برسانند.^۱

اصولاً حقوق اتحادیه در مورد نحوه برخورد دادگاه‌های کشورهای عضو اتحادیه با داوری دعاوی حقوق رقابت مقررهای ندارد و این مسائل با توجه به ویژگی‌های حقوق اتحادیه به خود کشورهای عضو واگذار شده است. از جمله به این دلیل که مطابق ماده ۱۰ معاهده مؤسس اتحادیه اروپا، اجرای قواعد حقوق رقابت بر عهده نهادهای کشورهای عضو اتحادیه است. از این رو، دیوان‌های داوری از سال‌های دور، مواد (۱) ۸۱ و ۸۲ را اعمال کرده‌اند. در این خصوص گفته شده است که اگر دادگاه‌های اتحادیه واقعاً محدودیتی برای داوری از این جهت قائل بودند، فرصت بیان آن را داشته‌اند.^۲

بنابراین، قبل از لازم‌الاجرا شدن مقرر ۱/۲۰۰۳، مواد ۸۱ و ۸۲ قابل داوری بوده‌اند. با لازم‌الاجرا شدن مقرر ۱/۲۰۰۳ نیز که هدف از آن، غیر متمرکز کردن نظام اجرایی حقوق رقابت اتحادیه اروپاست، نباید آن‌ها را غیر قابل داوری دانست. با توجه به خارج بودن داوری از قلمرو مقررات حقوق اتحادیه کاملاً بدیهی است که مقرر جدید ۱/۲۰۰۳ نیز به داوری توجه نکرده باشد.

در مورد معافیت‌هایی که مطابق ماده (۳) ۸۱ معاهده مؤسس اتحادیه اروپا صادر می‌شود، قبل از لازم‌الاجرا شدن مقرر ۱/۲۰۰۳ گفته شده است که داوران اختیاری ندارند. دادگاه پاریس در رأی ۱۴ اکتبر ۱۹۹۳ اظهار داشته است که ویژگی نظم عمومی قواعد حقوق رقابت اتحادیه اروپا این اجازه را به داوران نمی‌دهد که چنین معافیت‌هایی اعطا کنند. حال این سؤال مطرح شده است که آیا با لازم‌الاجرا شدن مقرر ۱/۲۰۰۳ که ماده (۳) ۸۱ را توسط دادگاه‌های ملی کشورهای عضو نیز قابل اعمال می‌داند، می‌توان به این نتیجه رسید که این ماده قابلیت داوری دارد؟

در پاسخ به این سؤال باید به این نکته توجه کرد که مواد ۸۱ و ۸۲ بر مبنایی واحد عمل می‌کنند،

1. Chinn, Christopher, "Arbitration of Antitrust Claims in the United States and Europe", the international journal of arbitration, mediation and dispute management, Volume 74, No. 4, 2008, pp. 439-440.

2. Greenawalt, Alexander K. A., "Does International Arbitration Need a Mandatory Rules Method?" American Review of International Arbitration, Vol. 18, No. 103, 2008, p. 211.

اما اعمال ماده (۳) ۸۱ مستلزم ایجاد تعادل بین ارزش‌های غیر قابل مقایسه (منع ایجاد محدودیت در رقابت در برابر کارایی) است. کارایی نیز انواع مشخص و از پیش تعیین شده‌ای ندارد. این ارزیابی که طبیعتاً مبهم، نامعین و نامحدود است، به راحتی می‌تواند غیر قابل داوری تلقی شود. بنابراین، می‌توان گفت با تجویز اعمال این ماده توسط دادگاه‌های کشورهای عضو، میزانی از ثبات در تفسیر آن می‌تواند به وجود آید. با این حال، تنها با سازوکارهای حمایتی مقرر در حقوق اتحادیه اروپا به ویژه مقرر ۱/۲۰۰۳ است که اجازه اعمال این ماده به دادگاه‌های داخلی داده شده است. این در حالی است که داوری مشمول این سازوکار حمایتی نمی‌شود. بنابراین، دیوان‌های داوری با توجه به کارکرد خود و نیز ماهیت ویژه اعطای معافیت‌های مقرر در حقوق رقابت اتحادیه اروپا، صلاحیت اعمال ماده (۳) ۸۱ را از نظر اعطای معافیت‌های موردی از مقررات حقوق رقابت ندارند.

هم‌چنین می‌توان گفت که اعمال ماده (۱) ۸۱ و ۸۲ از سوی داوران از لحاظ آثار حقوقی اعمال ضد رقابتی با توجه به ماهیت اختلاف که ویژگی خصوصی دارد، قابل توجیه است، اما اعطای معافیت مطابق ماده (۳) ۸۱ با توجه به سیاست‌هایی صورت می‌گیرد که داور ممکن است از آن‌ها اطلاع نداشته باشد. بنابراین، ممکن است اعطای معافیت از سوی داور علاوه بر این که با حمایت کمیسیون رقابت همراه نیست، با مأموریت داور نیز در تعارض باشد. البته گفته شده است که اعمال ماده (۳) ۸۱ به طور کلی نباید برای داور ممنوع تلقی شود؛ زیرا منع داوران از اعمال آن، آن‌ها را در وضعیتی دشوار و نامناسب در رسیدگی‌ها قرار خواهد داد و داوران امکان طرح پرسش‌های مقدماتی از کمیسیون رقابت را ندارند. بنابراین، برای حفظ کارایی اعمال حقوق رقابت از طریق دیوان‌های داوری گفته شده که ماده (۳) ۸۱ نیز قابل اعمال از طریق دیوان‌های داوری است.^۱ بنابراین، به نظر می‌رسد هر چند اعطای معافیت از سوی داوران قابل پذیرش نیست، اما داوران برای اعمال کارآمد حقوق رقابت ناگزیرند ماده (۳) ۸۱ را در نظر بگیرند، مانند زمانی که یکی از طرفین به عنوان دفاع ادعا می‌کند شرایط مندرج در این ماده را دارد.

تضمینی که برای اجرای مناسب ماده (۳) ۸۱ و مواد دیگر از سوی دادگاه‌ها وجود دارد، این است که دادگاه‌ها باید رونوشتی از آرای راجع به حقوق رقابت را برای کمیسیون بفرستند، در حالی که

۱. باقری، محمود، «قابلیت داوری اختلافات ناشی از حقوق اقتصادی: ناکامی قراردادی در رجوع به داوری در دعاوی حقوق رقابت و حقوق بازار بورس»، نشریه تحقیقات حقوقی، ۱۳۸۷، شماره ۴۸، ص ۳۰۰.

دیوان‌های داورى چنین تکلیفی ندارند. گفته شده است با توجه به امکان نظارت بر آرای داورى در دادگاه‌ها، پس از صدور رأی داورى، چنین سازوکارى برای داورى هم وجود دارد.^۱ البته نظارت بر آرای داورى در دادگاه‌ها به ویژه در کشورهای عضو اتحادیه نمی‌تواند گسترده باشد و شاید مقایسه این دو سازوکار با یکدیگر، نتیجه‌ای در پی نداشته باشد.

حمایت دیگری که در اجرای مقررات حقوق رقابت از دادگاه‌های داخلی صورت می‌گیرد، امکان درخواست تفسیر قواعد حقوق رقابت اتحادیه از کمیسیون رقابت است. (ماده ۲۳۴ معاهده مؤسس اتحادیه اروپا) دیوان‌های داورى چنین امکانی ندارند، اما یکی از نویسندگان پیشنهاد کرده است دیوان‌های داورى تشکیل شده در قلمرو کشورهای عضو اتحادیه بتوانند از طریق دادگاه‌های این کشورها چنین درخواستی کنند.^۲

به طور کلی، با توجه به رویکردی آزادانه که هم اکنون در کشورهای عضو اتحادیه اروپا نسبت به داورى وجود دارد، داورى دعاوی حقوق رقابت با مسئله خاصی روبه‌رو نیست. بنابراین، می‌توان داورى دعاوی حقوق رقابت اتحادیه اروپا را با توجه به ویژگی‌های آن، موضوعی بدیع و منحصر به فرد در نوع خود دانست. از طرف دیگر، می‌توان آن را تحولی در داورى و به طور خاص، موضوع قابلیت داورى دانست. این موضوع از آن رو قابل توجه است که از یک طرف، حتی در ایالات متحده نیز پذیرش داورى دعاوی حقوق رقابت پس از سال‌ها بحث و جدل در دادگاه‌ها و محافل علمی تحقق پیدا کرد و از طرف دیگر، در حقوق رقابت اتحادیه اروپا نیز مسائل مربوط به منافع عموم جامعه و علاوه بر آن، منافع سیاسی کشورهای عضو اتحادیه در اجرای قواعد حقوق رقابت مطرح می‌شود. البته این مسائل هرگز باعث اختلال در روند کار دیوان‌های داورى نشده است. بنابراین، رویکرد اعتماد به دیوان‌های داورى از سوی اتحادیه اروپا و اعضای آن جالب توجه به نظر می‌رسد و می‌تواند الگویی برای نظام‌های حقوقی دیگر باشد.

رویکرد موافق اتحادیه اروپا به داورى را می‌توان از استفاده از داورى مطابق مقرره ۱۳۹/۲۰۰۴ اتحادیه اروپا راجع به ادغام برای اجرای بعضی تعهدات رفتاری نیز دریافت. کمیسیون رقابت اتحادیه اروپا، داورى را به عنوان آیین تعیین‌کننده در مواقع ایراد به رعایت شرایطی پذیرفته که بر مبنای آن‌ها

۱. وصالی محمود، منصور، «داورى در حقوق رقابت»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۹، ص ۹۴.

۲. همان.

ادغام تجویز شده است. گاهی موافقت با ادغام به شرطهایی وابسته است که کمیسیون مقرر می‌کند. یکی از این شرطها، الزام به ارجاع به داوری اختلافات با اشخاص ثالث راجع به دسترسی به بازار پس از وقوع ادغام است.^۱ به نظر می‌رسد این داوری، ماهیتی متفاوت از داوری در معنای رایج دارد و به نوعی اجباری است.

بند دوم. تجلی رویکرد موافق به داوری در دعوای اکو سوییس

رویکرد موافق اعضای اتحادیه به داوری شاید یکی از دلایلی باشد که در چارچوب اتحادیه اروپا تاکنون دعوایی مانند امریکن سیفتی یا میتسوبیشی در ایالات متحده امریکا مطرح نشده است. دعوای مهمی که به موضوع داوری حقوق رقابت پرداخته، دعوای «اکو سوییس»^۲ است که البته به طور مستقیم به مسئله قابلیت داوری نمی‌پردازد. به نظر می‌رسد که در قسمت‌های مختلف رأی، قابلیت داوری این دعوای را به طور ضمنی تأیید می‌کند. از این رو، جا دارد به طور جداگانه، این رأی را بررسی کنیم تا بتوان با استفاده از آن به درک رویکرد دیوان دادگستری اروپایی به داوری دست یافت.

در سال ۱۹۸۶، «بنتون»^۳، شرکتی که در آمستردام هلند تشکیل شده بود، قرارداد لیسانسی برای ۸ سال با «اکو سوییس»^۴، شرکت ثبت شده در هنگ کنگ و نیز «بولووا واچ کمپانی»^۵، شرکت ثبت شده در نیویورک منعقد کرد. در این قرارداد، بنتون، حق تولید ساعت مچی و رومیزی با علامت تجاری Benetton by Bulova برای فروش توسط اکو سوییس و بولووا را به اکو سوییس اعطا کرد. مقرر شد اختلافات ناشی از قرارداد مطابق قواعد انجمن داوری هلند حل و فصل شود. در سال ۱۹۹۱ یعنی سه سال قبل از خاتمه قرارداد، بنتون، فسخ قرارداد را اعلام کرد. رسیدگی داوری بین این سه شرکت آغاز شد و دیوان داوری در رأی جزئی نهایی از جمله اعلام کرد که بنتون باید خسارت ناشی از فسخ قرارداد را به اکو سوییس و بولووا پرداخت کند. طرفین در مورد خسارت به توافق نرسیدند. بنابراین،

۱. باقری، پیشین، ص ۳۰۲.

2. Eco Swiss China Time Ltd v. Benetton International NV., European Court of justice, 1 June 1990.

3. Benetton

4. Eco Swiss

5. Bulova Watch Company

دیوان داوری در رأیی دیگر در سال ۱۹۹۵، خسارت ۲۳ میلیون و ۷۵۰ هزار دلاری برای اکو سوییس و خسارت ۲ میلیون و ۸۰۰ هزار دلاری برای بولووا تعیین کرد. در همان سال، بنتون، ابطال این رأی دوم را از جمله بر مبنای تعارض با نظم عمومی به دلیل بطلان قرارداد لیسانس مطابق ماده ۸۱ معاهده اتحادیه اروپا از دادگاه‌های هلند درخواست کرد. در زمان رسیدگی داوری، هیچ یک از طرفین، این نکته را مطرح نکرده بودند.

دادگاه بدوی، درخواست بنتون را رد کرد و بنتون نزد دادگاه تجدیدنظر پژوهش خواهی کرد. دادگاه تجدیدنظر، ماده ۸۱ را مقرر مربوط به نظم عمومی در معنای ماده (e) (۱) ۱۰۵۶ قانون آیین دادرسی هلند اعلام کرد که نقض آن ممکن است باعث ابطال رأی داوری شود. دادگاه اعلام کرد که نمی‌تواند مطابقت این رأی را با این ماده بررسی کند؛ زیرا مهلت سه ماهه برای درخواست ابطال رعایت نشده بود. با این وجود، دادگاه اعلام کرد که می‌تواند رأی داوری دوم را در مورد ماده ۱۰۵۶ به ویژه از نظر تأثیر ماده ۸۱ و ۸۲ بر ارزیابی خسارت بررسی کند؛ زیرا حکم به خسارت ناشی از فسخ ناموجه قرارداد لیسانس منجر به اجرای قراردادی شده بود که مطابق مواد ۸۱ و ۸۲ هر چند به صورت جزئی باطل بوده است، این قرارداد در واقع، توافقی برای تقسیم بازار بین این شرکت‌ها بود. بنابر این، اکو سوییس و بولووا از آن تاریخ به بعد نمی‌توانستند این ساعت‌ها را در ایتالیا و کشورهای دیگر اتحادیه بفروشند.

اکو سوییس، دعوا را در دیوان عالی مطرح کرد و بنتون نیز درخواست تجدیدنظر متقابلی ارائه کرد. سؤالی که برای دیوان عالی مطرح شد، این بود که آیا دیوان داوری نیز مکلف به اعمال قواعد حقوق رقابت است یا نه؟ هم‌چنین دیوان اعلام کرد که مطابق قوانین هلند، اگر در مهلت قانونی، درخواست ابطال رأی داوری صورت نگیرد، رأی اعتبار امر قضاوت شده را دارد. با این حال، دیوان عالی در این مورد تردید داشت که آیا مقررات اتحادیه اروپا، دادگاه هلند را از اعمال چنین مقرره‌ای باز می‌دارد یا نه. دیوان این مسائل را به دیوان دادگستری اروپایی ارجاع داد.^۱

سؤال اول این بود که رأی دیوان دادگستری اروپایی راجع به تکلیف دادگاه‌های ملی به اعمال قواعد حقوق رقابت تا چه حد در مورد دیوان‌های داوری نیز قابل اعمال است؟

1. Roger van den Bergh, Peter D. Camesasca, *European Competition Law and Economics: A Comparative Perspective*, Sweet and Maxwell, 2006, p. 208.

سؤال دوم این بود که اگر دادگاهی، رأی داوری را در تعارض با ماده ۸۲ بداند، باید بر همین مبنا و بر خلاف مقررات قانون هلند (که بر مبنای آن، درخواست ابطال رأی مبانی محدودی دارد که یکی از آن‌ها، مغایرت با نظم عمومی است که شامل صرف این واقعیت نمی‌شود که رأی داوری منجر به اجرای قراردادی خواهد شد که مطابق حقوق رقابت اتحادیه باطل است) درخواست ابطال رأی را بپذیرد؟

سؤال سوم این بود که آیا بر خلاف مقرر قانون هلند که بر مبنای آن، داور نباید از قلمرو شرط داوری فراتر رود، اگر اعمال حقوق رقابت اتحادیه اروپا خارج از قلمرو شرط داوری باشد و در نتیجه، داوران به آن توجه نکرده باشند، دادگاه مجاز است چنین درخواست ابطالی را مجاز بداند؟

سؤال چهارم این بود که آیا مقررات اتحادیه ایجاب می‌کند که قانون هلند (که مطابق آن، رأی جزئی داوری که از نظر ماهوی نهایی است، اعتبار امر قضاوت شده را داشته و تنها در یک مهلت سه ماهه به منظور بررسی تعارض قراردادی که رأی داوری آن را معتبر دانسته است، با ماده ۸۲ قابل تجدیدنظرخواهی است) اعمال نشود؟

سؤال پنجم این بود که در مواردی چون دعوای حاضر، آیا پرهیز از اعمال این قاعده که تا جایی که رأی موقتی از نظر ماهوی نهایی است، درخواست ابطال آن را نمی‌توان هم‌زمان با درخواست ابطال رأی بعدی مطرح کرد، ضروری است؟

دیوان دادگستری اروپایی اعلام کرد ماده ۸۱ یک مقرر اساسی است که برای پیشبرد وظایف اتحادیه به ویژه برای کارکرد مناسب بازار داخلی اتحادیه اروپا حیاتی است. اهمیت این مقرر باعث شده است هر توافق یا تصمیم مغایر با آن باطل باشد. دیوان از این مقدمه نتیجه می‌گیرد که هرگاه قواعد شکلی حقوق داخلی، دادگاه را ملزم به پذیرش درخواست ابطال رأی داوری بر مبنای مغایرت با مقررات نظم عمومی کند، باید چنین درخواست ابطالی در مورد رأی مغایر با ماده ۸۱ نیز پذیرفته شود. دیوان در عین حال اعلام می‌کند که به سود یک رسیدگی کارآمد داوری است که نظارت بر رأی داوری، قلمرو محدودی داشته باشد. دیوان دادگستری اروپایی در این رأی اعتقاد دارد ممکن است مقررات ماده ۸۱ نیز در معنایی که در کنوانسیون نیویورک از نظم عمومی وجود دارد، مغایر نظم عمومی تلقی شود.

دیوان با توجه به پاسخی که به سؤال دوم می‌دهد، ضرورتی برای پاسخ به سؤال اول و سوم نمی‌بیند.^۱ پاسخ دیوان به سؤال چهارم و پنجم این است که مقررات اتحادیه، دادگاه‌های داخلی را ملزم به اعمال نکردن این قاعده حقوق داخلی نمی‌داند که درخواست ابطال رأی جزئی که از نظر ماهوی نهایی است، در مهلت زمانی خاص ممکن است، حتی اگر در رسیدگی مربوط به درخواست ابطال رأی دوم برای تصمیم‌گیری در مورد این که آیا قراردادی که رأی جزئی آن را معتبر دانسته، مطابق حقوق اتحادیه باطل است یا نه، بررسی رأی جزئی لازم باشد.

بعضی نویسندگان قبل از صدور این رأی انتظار داشتند دیوان به طور صریح به این سؤال پاسخ دهد که آیا دیوان‌های داوری، وظیفه‌ای در قبال اعمال قواعد حقوق رقابت دارند یا نه، اما دیوان به طور مستقیم به این سؤال پاسخ نداد.^۲ با این حال، از کلیت رأی دیوان این گونه به نظر می‌رسد که از طرفی، دیوان بر این عقیده است که داوران، ملزم به اعمال قواعد حقوق رقابت هستند و از طرف دیگر، قابلیت داوری دعاوی حقوق رقابت را پذیرفته است.

مضمون رأی دیوان این است که اگر رأی داور به اعمال مقررات حقوق رقابت اتحادیه اروپا توجه نکرده باشد، قابل اجرا نیست. هم‌چنین تأکید دیوان بر ضرورت محدود بودن قلمرو نظارت بر رأی داوری به منظور کارایی داوری می‌تواند یکی دیگر از نشانه‌های رویکرد مثبت دیوان به داوری دعاوی حقوق رقابت اتحادیه اروپا باشد. بنابراین، می‌توان گفت به نظر دیوان، ایجاد تعادل بین اقتضائات و ویژگی‌های داوری (در راستای کارآمدی داوری) و اعمال قواعد نظم عمومی رقابتی ممکن است.^۳

در مقام جمع‌بندی می‌توان گفت توسعه فعالیت‌های اقتصادی فراملی باعث گسترش بازارهای بین‌المللی و به دنبال آن، پیدایش اشکال جدید نارسایی در بازار گردیده است که به صورت رویه‌های ضد رقابتی بین‌المللی ظاهر می‌شود. با افزایش قراردادهای تجاری بین‌المللی و به

۱. باقرزاده، حمید و ایوب منصوری رضی، «تفسیر مضیق اختیار دادگاه در اجرای آرای داوری خارجی: هماهنگی با مشی حمایتی کنوانسیون شناسایی و اجرای داوری خارجی نیویورک»، فصل‌نامه پژوهش حقوق خصوصی، ۱۳۹۸، سال هشتم، شماره ۳۰، ص ۴۳.

۲. باقری، پیشین، ص ۲۵۲.

۳. ایران‌شاهی، علی‌رضا، «بررسی معیار «نظم عمومی» در نظارت قضایی بر رأی داوری تجاری بین‌المللی»، مجله حقوقی بین‌المللی، سال بیست و هشتم، شماره ۴۴، ص ۷۵؛ افضلی گروه، روح‌الله و بهمن محمدی، «جایگاه نظم عمومی در اجرای احکام داوری تجاری بین‌المللی»، فصل‌نامه حقوق و فقه تربیت و کودک، ۱۴۰۱، دوره سوم، شماره ۱۰، ص ۱۶۰.

تبع آن، فعالیت‌های اقتصادی فراملی، برخورد شروط داوری مندرج در قراردادهای با قوانین ملی رقابتی مطرح می‌شود. توافق‌های ضد رقابتی و سوء استفاده از انحصار در بازارهای بین‌المللی و ادغام بنگاه‌ها در سطح بین‌المللی، نگرانی دولت‌ها در اعمال مقررات رقابتی خود به صورت فراملی را در پی داشته است.

در این وضعیت، داوران با دعوایی روبه‌رو می‌شوند که در آن‌ها، حقوق رقابت به صورت اصلی یا فرعی مطرح می‌شود. منشأ خصوصی داوری و انعطاف موجود در رسیدگی‌های داوری موجب بدبینی دولت‌ها به داوری در اجرای مقررات حقوق رقابت شده است. این نگرانی برای دولت‌ها وجود دارد که داوری از شیوه‌ای برای حل و فصل اختلافات خصوصی قراردادی فراتر رود و به وسیله‌ای برای تحت تأثیر قرار دادن سیاست رقابتی آن‌ها و وارد کردن زیان به منافع عمومی تبدیل شود. درستی یا نادرستی این نگرانی دولت‌ها قابل بحث است. به نظر می‌رسد که برای هم‌گرایی این دو حوزه می‌توان توجیه‌هایی مطرح کرد. یکی از توجیه‌ها، گسترش امکان اقامه دعاوی خصوصی در حقوق رقابت است.

با وجود گره خوردن منافع عمومی و خصوصی در دعاوی رقابتی، ابتکار طرح این دعا با زیان دیده است و می‌توان گفت داوری نیز می‌تواند نقش دادگاه دولتی را در زمینه تشخیص وقوع خسارت و ارزیابی خسارت ناشی از رویه‌های ضد رقابتی ایفا کند. از سوی دیگر، نظریه تکثرگرایی قضایی نیز برطرف‌کننده این توهّم است که دولت در اعمال مقررات مربوط به نظم عمومی نقش انحصاری دارد.

پس از توجیه امکان تعامل و سازگاری داوری و حقوق رقابت، مطالعه رویه قضایی نظام‌های مختلف، پذیرش تدریجی داوری دعاوی حقوق رقابت را آشکار می‌سازد. در ایالات متحده، رأی مشهور میتسوبیشی در مقابل رأی امریکن سیفتی که دعاوی حقوق رقابت را به دلایلی چون پیچیدگی مقررات رقابتی و ناآشنایی داوران با آن قابل داوری نمی‌دانست، داوری‌پذیری این دعاوی را با استناد به مبناهایی چون نزاکت بین‌المللی و کارایی داوری مطرح می‌کند. در فرانسه، رویه قضایی به این نتیجه می‌رسد که صرف ارتباط قواعد حاکم بر دعا با نظم عمومی موجب سلب صلاحیت داور نیست و داور می‌تواند در مورد آثار حقوقی نقض مقررات حقوق رقابت رسیدگی کند. حقوق اتحادیه اروپا نیز رویکردی موافق نسبت به داوری این دعاوی دارد که در رأی مشهور اکو سوییس تجلی پیدا

کرده است.^۱ بنابراین، علاوه بر توجیه نظری تعامل این دو حوزه، در عمل نیز رویه قضایی، تردیدها در خصوص تعارض بنیادین داوری و حقوق رقابت را برطرف می‌کند.

نتیجه‌گیری

داوری‌پذیری به محدودیت‌هایی اشاره دارد که بر ارجاع موضوعات حقوقی به داوری اعمال می‌شود و مسائلی را که داوری حل و فصل می‌کند، از مواردی که منحصراً در حوزه رسیدگی دادگاه است، مجزا می‌سازد. به عبارت دیگر، داوری‌پذیری، خط فاصلی میان آزادی قرارداد و نقش دادگاه‌ها در حفاظت از منافع عمومی ایجاد می‌کند.

در سال‌های اخیر، عاملی که باعث گسترش داوری‌پذیری حقوق رقابت در عرصه بین‌المللی شده، رویکرد اتحادیه اروپا به این موضوع است. با توجه به اهمیت انکارناپذیر حقوق رقابت اتحادیه اروپا در فرآیند تجارت بین‌الملل، موضوع داوری‌پذیری حقوق رقابت در چارچوب آن بسیار مطرح شده است و به نظر می‌رسد پذیرش آن در اتحادیه اروپا راه بسیار آسان‌تری را پیموده است که در این پژوهش بررسی شد.

با این ملاحظات شاید بتوان نتیجه فرآیند پذیرش داوری حقوق رقابت در اتحادیه اروپا را از نظر تأثیری که بر حل و فصل دعاوی تجاری بین‌المللی از طریق داوری می‌گذارد، گسترش داوری‌پذیری دعاوی حقوق رقابت در عرصه بین‌المللی دانست. بنابراین، بعد از تحولی که بعد از مجادلات بسیار در امریکا باعث آغاز حرکت به سوی پذیرش داوری در حقوق رقابت شد، رویکرد اتحادیه اروپا را به قابلیت داوری حقوق رقابت می‌توان ادامه این حرکت به سوی گسترش داوری در حقوق رقابت دانست.

۱. وصالی محمود، پیشین، ص ۱۰۱.

فهرست منابع

۱. فارسی

۱. افضل‌ی گروه، روح‌الله و بهمن محمدی، «جایگاه نظم عمومی در اجرای احکام داوری تجاری بین‌المللی»، فصل‌نامه حقوق و فقه تربیت و کودک، ۱۴۰۱، دوره سوم، شماره ۱۰.
۲. انصاری، علی و حجت‌مبین، «قواعد فراملی در داوری تجاری بین‌المللی و جایگاه آن در حقوق ایران»، فصل‌نامه حقوق، ۱۳۹۱، شماره ۳.
۳. ایران‌شاهی، علی‌رضا، «بررسی معیار «نظم عمومی» در نظارت قضایی بر رأی داوری تجاری بین‌المللی»، مجله حقوقی بین‌المللی، سال بیست و هشتم، شماره ۴۴.
۴. باقرزاده، حمید و ایوب منصوری رضی، «تفسیر مضیق اختیار دادگاه در اجرای آرای داوری خارجی؛ هماهنگی با مشی حمایتی کنوانسیون شناسایی و اجرای داوری خارجی نیویورک»، فصل‌نامه پژوهش حقوق خصوصی، ۱۳۹۸، سال هشتم، شماره ۳۰.
۵. باقری، محمود، «قابلیت داوری اختلافات ناشی از حقوق اقتصادی: ناکامی قراردادی در رجوع به داوری در دعاوی حقوق رقابت و حقوق بازار بورس»، نشریه تحقیقات حقوقی، ۱۳۸۷، شماره ۴۸.
۶. حبیبی، سعید، «نظم عمومی و داوری‌پذیری دعاوی مالکیت فکری»، فصل‌نامه حقوقی دادگستری، ۱۳۹۹، شماره ۱۱۰.
۷. رضا‌زاده، سعید، «عوامل حقوقی محدودکننده داوری‌پذیری دعاوی حقوق رقابت»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، ۱۴۰۱.
۸. رهبری، ابراهیم، حقوق رقابت در عرصه مالکیت فکری، تهران: سمت، چاپ اول، ۱۳۸۹.
۹. وصالی محمود، منصور، «داوری در حقوق رقابت»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۹.

2. Latin Source

1. Chinn, Christopher, "Arbitration of Antitrust Claims in the United States and Europe", the international journal of arbitration, mediation and dispute management, Volume 74, No. 4, 2008.
2. Denis, Philippe, Modernization on the Modern Belgium law, 2013, Available at: www.philippelaw.eu.

3. Eco Swiss China Time Ltd v. Benetton International NV., European Court of justice, 1 June 1990.
4. Freimane, Natalja, Arbitrability Problematic Issues of legal Term, Master thesis, Riga, Riga Graduate School of Law, 2012.
5. Ganz v. SNFCT case and Labinal v. Mors case, CA Paris, 29 March 1991. Revb. Arb (1991) 478.
6. Greenawalt, Alexander K. A., "Does International Arbitration Need a Mandatory Rules Method?" American Review of International Arbitration, Vol. 18, No. 103, 2008.
7. Kaufman-Kohler, Gabriell & Antonio Rigozzi, International Arbitration: Law and Practice in Switzerland, Oxford University Press, 2014.
8. Kolmogorava, Yekaterina, Arbitrability of Competition Disputes: Position in England, France and Kazakhestan, Central European University, 2011.
9. Ligi, Karina, Arbitrability of EU Competition Rules, Related Claims and Follow-on Damages Actions (Jurisdictional Issues and Limitations on Arbitrators), First edition, Helsinki, publishing University of Helsinki, 2021.
10. Roger van den Bergh, Peter D. Camesasca, European Competition Law and Economics: A Comparative Perspective, Sweet and Maxwell, 2006.
11. Shore, Laurence, "Defining Arbitrability the United States v The Rest of the World", New York Law Journal, No. 25, 2009.
12. Tamara, Egbedi, an Analysis of the Effect of Public Policy on Party Autonomy in International Arbitration, University of Dundee of Nigeria, 2007.

Expanding the arbitrability of disputes regarding competition law with a view to European Union law

Mahdi Mohammadi¹

Mahdi Montazer²

Tayyeb AfsharNia³

Abstract

Gradually, with the spread of international arbitration and the change in the policy of national law systems regarding arbitration, the ability to arbitrate competition law claims was accepted. This change in the approach of governments was first accompanied by the conversion of absolute prohibition to relative prohibition and then with the more complete acceptance of arbitration of these claims. . Expectations arising from international decency, respect for the jurisdiction of foreign courts and arbitral tribunals were from other aspects of this famous decision of the Supreme Court of the United States. In this research, using a descriptive-analytical method and with the aim of investigating “expanding the arbitrability of disputes regarding competition rights”, the question was raised: “What is the role of the European Union in expanding the arbitrability of competition law claims?” According to the research, it can be stated: after the start of the movement towards accepting competition rights arbitration in the Mitsubishi lawsuit and continuing this movement in other lawsuits; The approach adopted in the European Union and especially in the Ecoswiss lawsuit regarding this issue, considering the importance of the European Union’s competition law system in the international trade process, can be considered as a sign of the expansion of competition law arbitration, and it can be said that the European Court of Justice is unenforceable. Knowing the arbitral award in which EU competition law was ignored indirectly accepted the arbitration of competition law claims.

KeyWords: Competition, arbitration, European Union, European Court of Justice, arbitrability

1. Private Law, Department of Law, United Arab Emirates Unit, Islamic Azad University of Dubai, United Arab Emirates. vekalat_mehdi76@yahoo.com

2. Department of Private Law, Damavand Branch, Islamic Azad University, Damavand, Iran. (Corresponding Author), mahdimontazer1@chmail.ir

3. Assistant Professor, Department of Private Law, West Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, afsharnia59@gmail.com